

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد محترم: هرچه در برهان صدیقین عمیق تر می شویم کم کم جهان خلقت آب و رنگ خود را از دست می دهد و با نظر به وجود انگار سایر چیزها دیگر دیده نمی شوند. رسیدن به چنین نگاهی که کم کم همه لذت های سابق را در خود ذوب می کند چند سوال را با خود به همراه می آورد. اگر با نظر به وجود قرار است همه چیز بی رنگ شود و دیگر دیده نشود، حالتی که امروز نمیدانم از رسیدن به آن بایستی خوشحال بود یا ناراحت پس آنوقت: ۱- خداوند این همه زیبایی و طرح و رنگ را برای چه آفریده است؟ ۲- چرا قرآن دائماً به نظر در آیات هستی اشاره می کند؟ ۳- به خصوص برای ما که اهل هنر هستیم آن لذت نظر به شگفتی های خلقت و مبهوت شدن در آیات الهی چه می شود؟ ۴- و در نهایت جایگاه این همه خلقت و نعمت های آفریدگار کجاست؟ آیا حقیقتاً رسیدن به چنین بی رنگی در برهان صدیقین همان است که باید به آن می رسیدیم و آیا در مقابل آنچه دیگر امروز هر لحظه برایمان بی رنگ و بی نشان تر می شود در ارتباط با جهان پیرامون خویش دچار مشکل نخواهیم شد؟ چرا که در این سیر هرچه دیده نمی شود از یاد می رود و انگار کم کم قرار است به همه چیز بی اعتنا شویم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام‌علیکم: حضرت حق در آینه‌ی مخلوقات خود را می‌نمایاند تا ما را به صورتی ملموس و نه صرفاً انتزاعی مفتخر به شناخت خود کند و هنر ما آن است که در متن وجود، جلوات آن را بنگریم و مخلوقات را آیات الهی ببینیم تا آنجایی که نوعی با حضرت حق مرتبط شویم که همه‌ی کمالات را در او بیابیم که این نیاز به سلوک دارد و به مرور پیش می‌آید. موفق باشید